



نقش نجیب الله در جنایات بشری در افغانستان

نقش داکتر نجیب الله در نقض حقوق بشر و جنایات جنگی در افغانستان، یکی از بحث برانگیزترین و دوقطبی ترین موضوعات در تاریخ معاصر این کشور است. کارنامه او عمدتاً به دو دوره متمایز تقسیم می شود: دوره نخست به عنوان رئیس دستگاه مخوف امنیتی «خاد» (خدمات امنیت دولتی) و دوره دوم به عنوان رئیس جمهور افغانستان. در حالی که هوادارانش او را یک رهبر ملی گرا و صلح طلب می دانند، منتقدان و سازمان های حقوق بشری وی را به دست داشتن در ناپدید شدن های اجباری، شکنجه و اعدام های گسترده متهم می کنند.

۱. دوران ریاست سازمان «خاد» (۱۹۸۵-۱۹۸۰)

تاریک ترین بخش کارنامه نجیب الله از نظر نقض حقوق بشر، به دوران پنج ساله ریاست او بر سازمان جاسوسی و امنیتی «خاد» بازمی گردد. این سازمان که تحت نظارت و حمایت مستقیم «کی جی بی» (KGB) شوروی فعالیت می کرد، مسئول سرکوب شدید مخالفان حکومت کمونیستی و مجاهدین بود.

• **شکنجه های سیستماتیک:** بر اساس گزارش های متعدد سازمان های بین المللی، مانند عفو بین الملل و دیده بان حقوق بشر، در زمان مدیریت نجیب الله، شکنجه متهمان سیاسی، محصلین و محصلات معترض و مظنونان به همکاری با مجاهدین در توقیف گاه های خاد (مانند صدارت و پلچرخ) یک روال سیستماتیک و روزمره بود.

• **اعدام های مخفیانه و گور های دسته جمعی:** در این دوران هزاران نفر بدون محاکمه عادلانه، در محاکم صحرایی و چند دقیقه ئی به اعدام محکوم شدند. انتشار «لیست مرگ» شامل نام

هزاران قربانی دوران کمونیستی در سال های بعد، گواهی بر ابعاد وسیع این بازداشت ها و ناپدید شدن های اجباری است.

۲. دوران ریاست جمهوری (۱۹۸۶-۱۹۹۲)

با رسیدن به مقام ریاست جمهوری، نجیب الله تلاش کرد چهره خود را از یک مقام امنیتی به یک رهبر مصالحه گر تغییر دهد. با این حال، در طول جنگ های داخلی این دوره نیز جنایات متعددی رخ داد:

بمباران مناطق غیرنظامی: اردوی تحت فرمان او برای مقابله با پیشروی مجاهدین، بارها از بمباران های هوایی سنگین و راکت های دوربرد (مانند راکت های سکاد) استفاده کرد که منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان و ویرانی روستاها شد.

• **سرکوب خونین قیام ها:** هرگونه اعتراض داخلی یا تلاش برای کودتا (مانند کودتای شهناز تنی در سال ۱۳۶۸) با مشقت آهین و اعدام عاملان و مظنونان پاسخ داده می شد. مرگ خشونت آمیز او باعث شد که کارنامه حقوق بشری وی و سازمان خاد هیچ گاه در یک محکمه رسمی و عادلانه بررسی نشود؛ موضوعی که همچنان به عنوان یک زخم التیام نیافته و بحثی جنجالی در تاریخ معاصر افغانستان باقی مانده است.

جنایات داکتر نجیب در زمان ریاست خاد

جنایات داکتر نجیب الله در زمان ریاست سازمان «خاد» (خدمات امنیت دولتی) بین سال های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵، به عنوان یکی از سیاه ترین دوره های نقض سیستماتیک حقوق بشر در تاریخ معاصر افغانستان شناخته می شود. نجیب الله با حمایت و آموزش مستقیم سازمان جاسوسی شوروی (KGB)، «خاد» را به یک ماشین سرکوب مخوف تبدیل کرد تا هرگونه مخالفت علیه حکومت کمونیستی تحت حمایت مسکو را سرکوب کند.

بر اساس گزارش های سازمان های بین المللی نظیر **عفو بین الملل**، **دیده بان حقوق بشر** و اسناد به دست آمده پس از سقوط آن رژیم، اصلی ترین جنایات و نقض های حقوق بشر در این دوره شامل موارد زیر است:

۱. شکنجه های سیستماتیک و وحشیانه

خاد تحت مدیریت نجیب الله، شبکه ای از توقیف گاه های مخفی و علنی (مانند صدارت، پلچرخ و تعمیرهای اختصاصی خاد) را اداره می کرد. در این مراکز، شکنجه به عنوان ابزار استندرد برای اعتراف گیری و ایجاد رعب و وحشت استفاده می شد. روش های رایج شکنجه عبارت بودند از:

- **شوک الکتریکی:** اتصال سیم های برق به اعضای حساس بدن زندانیان.
- **ضرب و شتم شدید:** قمچین زدن، آویزان کردن زندانیان برای ساعت های طولانی و کشیدن ناخن ها.

- **شکنجه های روانی:** محرومیت شدید از خواب، اعدام های نمایشی (مصنوعی)، و مجبور کردن زندانیان به تماشای شکنجه یا تعرض به اعضای خانواده های شان.
- **شرایط غیرانسانی سلول ها:** نگهداری ده ها زندانی در سلول های تاریک، نم دار، بدون داشتن کوچکتری امکانات انسانی و بسیار کوچک که باعث شیوع بیماری های کشنده می شد.

۲. اعدام های مخفیانه و بدون محاکمه

- در دوران ریاست نجیب الله بر خاد، هزاران نفر از مخالفان سیاسی، اعضای گروه های مذهبی، روشنفکران، محصلین و محصولات معترض و حتی معترضان پرچمی و خلقی (جناح های رقیب درون حزبی) بدون دسترسی به وکیل یا محکمه عادلانه، اعدام شدند.
- **محاکمه های چند دقیقه ای:** «محاکم اختصاصی انقلابی» که زیر نظر خاد فعالیت می کردند، در جلساتی که اغلب کمتر از چند دقیقه طول می کشید، برای متهمان حکم اعدام صادر می کردند.
 - **لیست های مرگ:** در سال های اخیر، انتشار لیست های رسمی (مانند لیست معروف به ۵۰۰۰ قربانی که توسط محکمه هالند منتشر شد) ابعاد وحشتناک این اعدام ها را برملا کرد. این اسناد نشان می دهند که چگونه افراد پس از دستگیری توسط خاد، به دستور مقامات ارشد به طور مخفیانه تیرباران می شدند.

۳. گورهای دسته جمعی

- بسیاری از قربانیانی که در نیمه شب توسط مأموران خاد از خانه های شان توقیف می شدند، هرگز بازنگشتند و به عنوان «ناپدید شدگان اجباری» ثبت شدند.
- اجساد این افراد به صورت دسته جمعی در بیابان های اطراف کابل (مانند دشت چمتله، تپه های پولیگون در نزدیکی پلچرخ) و دیگر ولایات در گورهای دسته جمعی دفن می شدند. در دهه های اخیر، چندین نمونه از این گورهای دسته جمعی کشف شده است که گواه این جنایات است.

۴. جاسوسی گسترده و خفقان اجتماعی

نجیب الله ساختار خاد را به گونه ای توسعه داد که در تمام ابعاد زندگی اتباع نفوذ کند.

• **شبکه وسیع مخبران:** خاد هزاران مخبر را در ادارات دولتی، پوهنتون ها، مکاتب، مساجد و حتی در درون خانواده ها استخدام کرده بود. این فضای شدید پارانویا و تفتیش عقاید باعث شد که کوچک ترین انتقاد از دولت یا اردوی متجاوز شوروی، به قیمت دستگیری، شکنجه و ناپدید شدن فرد تمام شود.

• داکتر نجیب یکی از قسی القلب ترین و جنایتکار ترین رهبران احزاب خلق و پرچم بود.

• او یکی از جاسوسان کی جی بی با نام مستعار "پوتومک" بود که در هنگام تجاوز قوای شوروی با نیروهای اشغالگر اردوی سرخ یکجا با ببرک کارمل و دیگر روسها وارد افغانستان گردیده و به سمت ریاست خاد برگزیده شده است .

• او در دوران کار خود در ریاست خاد که بعداً به وزارت امنیت دولتی ارتقاء میکند بحدی در قتل و کشتار مردم افغانستان افراط میکند که تنها به امضاء و امر شخص خودش حدود 90 هزار نفر از مردم بیگناه افغانستان دستگیر، زندانی و کشته میشوند (جنگ قدرت ، 364). به پاس قدردانی از همین کشتار ها و جنایات و خونخوارگی های داکتر نجیب است که اداره کی جی بی در شوروی در زمان ریاست اندروپوف برای او مدال طلا اعطا مینماید. مدالی که به پاس کشتار های بی رحمانه هموطنانش برایش داده میشود. نجیب معتمدترین جاسوس کی جی بی بود و به همین علت ابتدا به ریاست خاد و بعدا بعنوان رئیس جمهور انتصاب گردید .

• روسها بتاريخ چهارم می 1986 برابر به 13 ثور 1365 با کنار گذاشتن ببرک، نجیب را که در غداری و قساوت شهرت فراوانی داشت، بعنوان رئیس جمهور در افغانستان نصب نمودند. او که هنگام بعده داشتن ریاست خاد مسئول قتل هزاران انسان بیگناه در افغانستان بود و درست مثل ببرک سوار بر تانک های روسی وارد افغانستان گردیده بود، با پوشیدن نقاب صلح، تلاشهای فراوانی را بخرج داد تا در صفوف جهاد و مقاومت رخنه و بی اتفاقی ایجاد نماید. به این منظور او با تأسیس شئون اسلامی، (...، **پوهاند نعمت الله شهرانی** : او استاد دانشگاه "**پوهنتون**" کابل بود که در دوره داکتر نجیب در پست های عالی مرتبط با امور مذهبی، از جمله وزیر شئون اسلامی و بعدها معاون رئیس جمهور فعالیت کرد.

• **دکتر سعید افغانی** : پیش از تبدیل این نهاد به وزارتخانه مستقل، وی پس از سقوط حفیظ الله امین به عنوان رئیس شئون اسلامی و رئیس جمعیت العلما تعیین شده بود و نقش مهمی در پایه گذاری این ساختار داشت...)

• اعلام منشی مصالحه ملی و نصب چهره های جدید کوشش های زیادی بعمل آورد تا ذهنیت مردم افغانستان را در مورد خود و تجاوز روسها عوض نماید که کوچکترین نتیجه را هم حاصل ننمود .

• جنرال نبی عظیمی در صفحه 475 کتاب "اردو و سیاست" در مورد ملاقات ها و تاسیس تشکیلات اغواگرانه دولت میگوید که هدف داکتر نجیب از همه ملاقاتها با بزرگان، موی سفیدان ، روشنفکران و زنان و شرکت در نماز ها و انتقاد از عملکرد های رهبران گذشته حزب " ترمیم و اصلاح تصویر هول انگیز گذشته حکومت در اذهان مردم بود ."

• جنرال نبی عظیمی در رساله طامات خود در مورد طفره رفتن فقیر محمد ودان نویسنده کتاب "دشنه های سرخ" از نقش گرباجوف برای بقدرت رسانیدن نجیب، او را مورد انتقاد قرار داده و چنین مینویسد: " از نقش گرباجوف در تحمیل دوکتور نجیب الله بحیث منشی عمومی حزب طفره رفته میشود و نویسنده نمی گوید و یا نمی خواهد بنویسد که دوکتور نجیب الله بنابر کدام برتری ها، نسبت به سایر اعضای بیوروی سیاسی به این مقام رسید؟ زیرا از نوشته او چنین بر میآید که این پست را اعضای بیوروی سیاسی و یا پلینوم کمیته مرکزی به نجیب الله پیشنهاد کرده باشند، نه کی.جی.بی و نه میخائیل گرباجف؟ " (طامات تا به چند و خرافات تابکی، 13) .

• جنرال نبی عظیمی که یکی از جنرالان جنایت کار حزب پرچم بود در صفحات 325-327 کتاب خود یعنی "اردو و سیاست" در توصیف نجیب از او چنین تعریف میکند: "در جوانی در جیب هایش کارد، چاقو و پنجه بکس یافت میشد. برادرش نظر به بد اخلاقی های او به مسعود پیوست و بر علیه او رساله نوشت. نجیب برای گرفتن قدرت به هر کاری دست میزد. نجیب چرب زبان و متملق بود. مخالفینش را با یک ضربه از میان می برد. نجیب مردم را به پول میخرید. او شخص یک دنده لجوج و عصبانی بود و فحش میداد. نجیب به پول و ثروت زیادی رسیده بود." همچنان عظیمی در صفحه 557 همین کتاب از نجیب بعنوان مرد عوامفرب و مداهنه گر تاریخ نام میبرد .

• ببرک کارمل رهبر حزب پرچم نجیب را این گونه توصیف مینماید: "در اینکه دوکتور نجیب الله یک شیاد و شارلاتان و کلاه بردار بزرگ حزب ما و تاریخ کشور ما است شک و تردیدی نباید داشته باشید. " (اردو و سیاست ، 395) .

• صدیق راهی برادر نجیب او را به بیریا رئیس دستگاه استخباراتی شوروی در زمان ستالین که به جلاد مشهور است مقایسه نموده و میگوید: " نجیب مثل بیریا خونخوار است. او حکم توقیف و قتل 90000 افغان بیگناه را امضا کرده است" (جنگ قدرت ، 364) .

- خاطرات زندان پلچرخی
- شام سال ۱۳۶۵ بود که یکبار دروازه زندان باز شد و گفتند تبریکی میگوئیم به زندانیان هرکس نامش خوانده میشود ایستاد شود و بستره خود را بگیرد.
- از جمله شهدا که نام چند تن شان یادم است هریک:
- *شهید مولوی عبدالحفیظ ولد ملا عبدالصمد ولسوالی خنج ولایت پنجشیر
- *شهید حاجی عظمت الله ولد حاجی محمد نسیم، قریه متاع ولسوالی خنج ولایت پنجشیر
- *شهید حاجی میر حسن ولد حاجی عبدالحسین، قریه رخ ولسوالی خنج ولایت پنجشیر
- *شهید عبدالجمیل ولد ملا کریمداد باشنده اصلی مرکز خنج ولایت پنجشیر
- *و دیگر زندانیان از ولایات وردگ، غزنی، قندهار، لوگر و کابل
- به تعداد ۱۲۶۵ نفر را داکتر نجیب الله زمانی که رئیس جمهور بود طوری به شهادت رساند که زنده خون تمام بدن ایشان را گرفتند و به نیروهای دولتی به نام خون کمک شده توسط خاندوی تسلیم کردند و در تلویزیون ملی هم اعلام کردند که خاندوی نظامی به نیروهای دولتی خون اهدا کردند.
- یک هفته بعد وقتی مادرم آمد دیدن من به زندان، از او پرسیدم که مولوی صاحب شان از زندان خلاص شدند حالا چطور هستند، خبر شان را دارید یا نه؟
- مادرم در جواب گفت: بچیم، یک هفته است که لباس های ملاقاتی اینهاره نمیگیرن.
- من آنوقت خیلی متعجب و حیران شدم.
- وقتی دوباره به پشت سلول های زندان برگشتم، یکی از کسانیکه با ایشان همنشین بودم یک مولوی صاحب از قندهار بود ازو پرسیدم در مورد اینکه لباس های کسانیکه شام چند روز قبل آزاد شدند گفتم، به من گفتند که ای دوست های ماره لباس های شان زندان نمیگیرن چی فکر میکنین مولوی صاحب چی علت است.
- مولوی صاحب به بسیار آرامی در جوابم گفتند: معلم صاحب اینهاره شهید میکنند، اما قبل از شهادت برشان میگویند شما آزاد میشوید، وقتی هفته دگه جویای احوالشان شدیم، گفتند تمام خونشان را گرفته اند و به تعداد خیلی زیاد از زندانی هاره شهید ساختند.
- آنوقت بخاطر خون اینها را میگرفتند که روس ها اجازه فیر را به نیروهای دولتی نمی دادند.
- در پهلوی این،

- زندانیان را شکنجه های برقی میدادند، لت و کوب میکردند، حتی خیلی از زندانی ها در دیوارها با خون خود می نوشتند بعد از هر لت و کوب و می گفتند بگو، خدایت را حالا بیاید نجات بدهد، خدایت کجاست؟؟؟
- دیگر اینکه آقای نصرالله ستانکزی در زندان ما جاسوسی میکرد، داخل زندان و از زبان زندانی ها گپ می گرفت و همراهی خود قرآن شریف داشت در حالیکه در زندان تحقیق کنندگان صرف دنبال یک ثبوت می گشتند و هیچ کسی اجازه و یا باخود قرآن و کتابهای دینی نداشت و حالا استاد حقوق پوهنتون کابل است.
- دیگر اینکه در زندان از تمامی ولایات کشور زندانیان بودند. از بامیان گرفته تا بدخشان، کنر، قندهار، کابل، اصلاً مهم این نبود کی از کدام ولایت است، پشتو میگوید یا فارسی شیعه است یا سنی.
- در تمامی سنین زندانیان بودند. فقط و فقط بخاطر مسلمان بودن و ریش داشتن و نماز خواندن از دهقان گرفته تا انجنیر و محصل و صاحب منصبان، زندانیان سیاسی، خیلی جوان های تازه خط ریش کشیده بودند. گروپ گروپ از طرف شب میآمدند و میبردند و شهید میساختند...